

عنوان مقاله:

تحلیل داستان سیاوش بر پایه نظریات یونگ

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره 5، شماره 8 (سال: 1386)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

ابراهیم اقبالی - استادیار دانشگاه تبریز

حسین قمری گیوی - استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

سکینه مرادی - کارشناس زبان و ادبیات فارسی

خلاصه مقاله:

کندوکاوه‌های کارل گوستاو یونگ، در قلمرو اساطیر و یافته‌های وی، دستمایه منتقدان بسیاری، برای بررسی آثار ادبی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، شاهنامه فردوسی خصوصاً داستان سیاوش که مجموعه عظیمی از روایات اساطیری و تاریخی ایرانیان باستان است بررسی گردید و در چهارچوب فرآیند فردیت یونگ و کهنالگوهای من، قهرمان، سایه، پرسونا، پیردانا و خویشتن، کنش‌ها و کارکردهای قهرمانان و شخصیت‌های داستان سیاوش ارزیابی شد و چگونگی تبلور هر یک از این کهنالگوها به عنوان مسئله اصلی این تحقیق مشخص گردید. ضمن آنکه به نموده‌های کهن الگوهایی چون آنیما، انیموس، مادر، ماندلا، مانا و تولد دوباره نیز اشاره شده است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتوا بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افراسیاب نمود کهن الگوی سایه و رستم، تبلور کهن الگوی قهرمان و خواب‌گزار افراسیاب، بیانگر کهن الگوی پیر دانا هستند. همچنین کهن الگوی خویشتن در شخصیت کیخسرو بروز می‌یابد. ضمن آنکه، عروج کیخسرو و مرگ سیاوش نیز نمونه‌هایی از مرگ و تولد دوباره در شاهنامه است. تکرار این مضامین، در بخش‌های سه گانه اساطیری، پهلوانی و تاریخی شاهنامه، هماهنگی میان این سه بخش را در چگونگی بروز کهن الگوها نشان می‌دهد و این اصل را بیان می‌کند که محتوای کهن الگوها به صورت مستمر اما در شکل‌های گوناگون ظهور می‌یابد.

کلمات کلیدی:

سیاوش، شاهنامه، کهن الگو، یونگ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/315603>

